

عبادت، عبودیت، رهیافت کمال^۱

مصطفی محمودی صاحبی^۲ و قدسیه شهداد^۳

چکیده

عصر اموی از دوره‌های سخت و دشوار حیات شیعیان محسوب می‌شود. در این عصر، حکمرانان در سرکوبی شیعیان از هیچ اقدامی فروگذار نکردند و از سوی دیگر شیعیان نیز برای بقای مکتب خویش مقاومت و جانفشانی‌ها کرده و شهدای بسیار دادند که اتفاقاً بسیاری از آنان در صحنه‌های نبرد نبوده است. با این وصف هم ابعاد و هم پیامدهای کشتار شیعیان در خارج از میدان جنگ مشخص نیست و تاکنون تحقیق مبسوطی در این زمینه صورت نپذیرفته است. لذا پژوهش حاضر درصدد بررسی دو موضوع برآمده است: نخست احصا و بازنمایی مجدد برخی ابعاد و میزان کشتار و آزار شیعیان خصوصاً در خارج از میادین جنگ و پس از آن، پرداختن به پیامدهای سرکوبی و کشتار ایشان در این عصر و آسیب‌هایی که دامنگیر شیعیان شده است. روش‌شناسی پژوهش: این پژوهش از نوع توسعه‌ای و روش آن تاریخی و توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و ابزار گردآوری اطلاعات نیز علاوه بر کتابخانه؛ اینترنت، نرم‌افزارها و بانک‌های دیجیتال، منابع و مقالات مرتبط با تاریخ صدر اسلام و پژوهش‌های مبتنی بر آن است. روش پژوهش نیز متضمن روش تاریخی است. یافته‌ها و نتیجه‌ی تحقیق نشان می‌دهد کشتار شیعیان توسط بنی‌امیه پیامدهای بسیار اثرگذاری در تاریخ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این مذهب داشت. از سویی توانست به انسجام درونی شیعیان کمک نماید، اما از سوی دیگر در عرصه اجتماع آنان را به حاشیه راند، در عرصه فرهنگ به رشد تقیه و باطنی‌گری کمک کرد و در عرصه اقتصاد، موجب تضعیف بنیه‌های اقتصادی ایشان شد.

کلیدواژه‌ها: امویان، شیعه ستیزی، زیست سیاسی اجتماعی شیعیان، حیات فرهنگی اقتصادی تشیع.

۳۱

دوره جدید، سال ۸، شماره ۱۱،
پیاپی ۲۱ پاییز ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۴/۱۵
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۰۷/۰۱
صص: ۶-۲۸

شاپا چاپی: ۲۵۸۸-۷۴۷۵
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۴۷۴۲



۱ - این مقاله مستخرج از پایان نامه با عنوان «شاخص‌های اخلاق مداری در آیات و روایات و مصادیق آن در دفاع مقدس» است.

۲ - دکتری علوم قرآن و حدیث، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ پست الکترونیکی:

mahmoodi@theo.usb.ac.ir

۳ - کارشناسی ارشد علوم قرآن، دانشگاه علوم قرآنی زاهدان؛ پست الکترونیکی: sshahdad46@gmail.com

مقدمه

مهم‌ترین هدف انبیاء الهی رشد و پرورش اخلاق در انسان می‌باشد. این امر در آیات متعددی بیان و بر آن تأکید شده است. مسلماً ارزش‌های اخلاقی بر روح و روان انسان تأثیر عمیقی دارد و در تعاملات و روابط انسان با دیگران به مرحله ظهور می‌رسد. عبادت، مدرسه تربیت اخلاق و خودسازی موجب اظهار تواضع در برابر معبود و عامل بازدارنده در مقابل بی‌اخلاقی است. کسی که خود را در محضر الهی ببیند، در بهبود روابط خود با خلق نیز تلاش می‌نماید و یاد خدا عامل تکامل فضایل اخلاقی و اجتناب از تعدی به حقوق دیگران می‌شود. این عمل عبادی، عزت نفس و خودباوری را در انسان تقویت می‌کند و در ارتقاء ارتباطات اجتماعی تأثیرگذار است. انسان اخلاق مدار پایبندی به اصول را سرلوحه زندگی خویش قرار داده، کلیه فضائل اخلاقی را در تمام ابعاد زندگی رعایت می‌کند و حیات او مبتنی بر این امر است. زیرا زندگی اجتماعی ایجاب می‌کند، انسان‌ها نسبت به هم رأفت و عطوفت داشته باشند و این به ایجاد جامعه‌ای سالم و مسالمت آمیز کمک شایانی می‌نماید. به این ترتیب اخلاق، پیامد حاصل از ارتباط با خدا، خود و دیگران است. دین اسلام با ساز و کارهای خاصی انسان را به سوی کمال ترغیب می‌کند.

در این پژوهش سعی بر آن است تا نقش عبادت و عبودیت در زندگی فردی و اجتماعی و میزان تاثیر آن در مسئولیت‌پذیری انسان را تبیین نماید. روش تحقیق در این پژوهش، کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی، تحلیلی است.

معنای لغوی و اصطلاحی عبادت و عبودیت

عبادت، پرستش، بندگی و پرستش کردن، بندگی کردن (معین، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۲۷۲) عبادت یعنی خضوع، یا نهایت خضوع و در اصطلاح عملی است، که با قصد قربت و جهت‌گیری الهی انجام شود (ابن منظور: ۲۷۳). عبادت و عبودیت هر دو به معنای اظهار خضوع است؛ ولی عبادت مفهوم عمیق‌تری دارد و عبارت است از نهایت خضوع در مقابل کسی که نهایت انعام و اکرام را فرموده است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۳۱۹) و عبودیت، به دلیل کاربردهای آن به مفهوم «بندگی»، «بردگی، مملوکیت، عبودیت» و مانند آن است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷: ۱۵۴).

معنای لغوی و اصطلاحی، اخلاق

اخلاق جمع خُلُق و خُلُق، شکل درونی سجایای انسان است، چنان‌که «خَلَقَ» شکل ظاهری و صورت اشیاء می‌باشد و غرائز ملکات و صفات روحی و باطنی، که در انسان وجود دارد «اخلاق» نامیده می‌شود با اعمال و رفتاری که از این خلیقات ناشی گردد نیز اخلاق می‌گویند (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۰۴).

ابن مسکویه شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی را این‌چنین بیان می‌کند: «صفات نفسانی راسخ و پایدار که موجب می‌شوند، افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل و تفکر از انسان صادر شود» (ابن مسکویه، بی تا: ۵۱).

عبادت و عبودیت

مهم‌ترین هدف انبیاء الهی رشد و پرورش اخلاق بوده‌است، این امر در آیات متعددی بیان و بر آن تأکید شده است. انسان در سایه‌ی اخلاق، به مطلوب نهایی یعنی سعادت‌مندی، دنیا و حیات جاویدان دست می‌یابد. شایان ذکر است، عملکرد انسان، نشان‌دهنده‌ی روش زندگی و تفکرات او می‌باشد و کسانی در این حیطة موفق هستند که؛ در زندگی از دستورهای پروردگار، برای رسیدن به کمال پیروی نمایند (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۱۰: ۳۸۲). آنچه مسلم است ارزش‌های اخلاقی بر روح و روان انسان تأثیر عمیقی دارد و در موقعیت‌های مختلف، هنگام برخورد با مسائل به مرحله ظهور می‌رسد. طبق آنچه پذیرفته و به آن پایبند می‌باشد، انسان آن را سرلوحه خود قرار می‌دهد و بر اساس همین اندیشه، در مواجهه با حوادث سجایای اخلاقی وی منعکس می‌شود (تقی زاده اکبری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۲۶). با توجه به آیه‌ی «وَإِنَّ أَلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ: همانا سرانجام کارها بر پروردگارت منتهی می‌شود» (نجم / ۴۲)، هدف اصلی از آفرینش انسان، رساندن وی به کمال است. علم و آگاهی بر قدرت الهی، هم‌چنین مسأله آزمایش و امتحان، هر یک به گونه‌ای زمینه را برای رسیدن بشر به تکامل حقیقی فراهم می‌کند. مهم‌ترین مرحله و رسیدن به این هدف «عبادت و خودسازی» و این عمل عبادی، مدرسه تربیت اخلاق و رشد است (دهقان، ۱۳۸۹: ۹-۱۱). با توجه به این‌که، اولین و مهم‌ترین مبانی اخلاقی

که بر دیگر مراحل تربیتی انسان تأثیر شگرفی دارد، کسب معرفت و آگاهی به خالق هستی می‌باشد. این عامل باعث بصیرت انسان و منجر به شناخت او از جایگاه و نیازهایش می‌گردد.

خداوند یکی دیگر از اهداف خلقت را عبادت و پرستش بیان فرمودند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالنَّاسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (زاریات/۵۶) و رسالت انبیاء دعوت به توحید و پرستش خداوند بوده است. انسان اظهار تواضع و خضوع در برابر معبود، اطاعت بی قید و شرط در تمام زمینه‌ها را با عبادت می‌آموزد. یکی از اعمالی که اظهار بندگی و خضوع انسان را می‌رساند، نماز و تعظیم و کرنش در برابر پروردگار است. در آیات قرآن؛ نماز از جایگاه رفیعی برخوردار است، به طوری که هیچ عمل عبادی از چنین جایگاهی برخوردار نیست. با عنایت به آیهی « يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ » (فاطر/۱۵) ارتباط مخلوق نیازمند، با خالق غنی عامل آرامش روح و قلب انسان و منجر به تقویت عزت نفس او می‌گردد. (محبی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۷) تمامی پیامبران الهی، مردم زمان خود را به عبودیت خدا دعوت کرده، و از آن به عنوان صراط مستقیم الهی نام برده‌اند، و این بیانگر، جایگاه و اهمیت عبودیت و بندگی در کمال بشری است. « إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ » (زخرف/۶۴). نماز پروای از خدا به همراه دارد و پروای از پروردگار عامل کمال است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » (حج/۷۷) و کمال واقعی میسر نمی‌گردد، مگر در پرتو عبودیت که زمینه ساز، رشد و سعادت انسان می‌شود. افزون بر این دین اسلام، عالم هستی و انسان را دارای غایتی حکیمانه می‌داند و فرد مومن نیز آگاهانه به سوی این غایت حرکت می‌کند. اخلاقی بودن را به منزله هم سوئی این جریان می‌داند و آمادگی روانی بیش تری برای تعهد و التزام اخلاقی دارد و طبق آموزه‌های دینی عمل می‌نماید. در غیر اینصورت « خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ » و از کف دادن اصل سرمایه و تباه شدن عمر است (فتحعلی‌خان، ۱۳۷۹: ۹۸). آموزه‌های دینی انسان را به داشتن فضائل و مکارم اخلاقی دعوت می‌نماید و ارتباط وی را با دیگران به گونه‌ای تنظیم می‌کند که، به خود اجازه تجاوز و تعدی به حقوق دیگران را نمی‌دهد. بلکه خود را ملزم به خیرخواهی، ایثار و گذشت، نسبت به آنان می‌داند. بدیهی است هر چه این ویژگی‌ها متعادل‌تر باشد؛ روابط اجتماعی نیز دقیق و با

آگاهی صورت می‌گیرد و برای حقوق و مصالح افراد، ارزش و احترام قائل می‌شود (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۶).

عبادت و عبودیت در روایات

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «الصلوة عمود الدین، مثلها کمثل عمود الفسطاط اذا ثبت العمود ثبتت الأوتاد الاطناب و اذا ما العمود و انکسرکم یتبث و تد و الأطب: نماز ستون دین است، مثل آن همانند؛ ستون خیمه است، تا وقتی استوار باشد. میخ‌ها و طناب‌ها پابرجاست و هرگاه ستون آن کج و شکسته شود هیچ کدام از آن‌ها استوار نمی‌ماند» (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۷۹: ۲۱۸). با توجه به این حدیث در می‌یابیم که، از محورهای مهم در برنامه تربیتی دین اسلام، پرورش اخلاق و ارزش‌های فطری است. این عوامل در زندگی، سبب تحول و ارتقای انسان در مسیر کمال می‌گردد. در همین رابطه امیرالمومنین می‌فرماید: «أول الدین معرفته و کمال معرفته التصدیق به و کمال التصدیق به توحیده: اولین مرحله دین، شناخت خداست و کمال معرفت تصدیق قلبی خدا و کمال تصدیق به خداوند موحد بودن است» (دشتی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۶). اهمیت خداشناسی، به دلیل آثار آن در حیات فردی و اجتماعی انسان مورد توجه می‌باشد. اعتقاد و برداشتی که انسان، از اوصاف الهی دارد، در تمام ابعاد زندگی او تأثیرگذار است. انسانی که معتقد به خالق این عالم هستی می‌باشد و تدبیر همه امور را به عهده دارد، با سربلندی و عزت نفس زندگی می‌کند و خود را وامدار هیچ احدی جز خدا نمی‌داند.

نماز و پایبندی به اصول اخلاق

بر اساس آموزه‌های دینی، در ابتدای امر باید مقدمات نماز رعایت شود، مثل؛ مکان نماز، لباس، آب وضو نباید غصبی باشند. به این ترتیب انسان نمی‌تواند در اموال و امور دیگران تعدی و تجاوز کند. بنابراین عدالت اجتماعی و حقوق دیگران در جامعه حفظ می‌گردد. بر همین اساس اگر نماز پذیرفته شود، اعمال دیگر نیز در پرتو آن قابل قبول می‌باشد (ابراهیمیان آملی، ۱۳۸۱). در سوره حمد از خداوند درخواست می‌کنیم که به وسیله نماز ما را به راه راست هدایت فرماید: «اهدنا الصراط المستقیم» (حمد/۶) خداوند تمام ارزش‌های اخلاقی را در نماز قرار داده است. یاد خدا و قیامت، یک ارزش و

بازدارنده از بی اخلاقی‌ها و فساد است، همچنین یادآور «یوم الدین» و راه انبیاء، شهدا و صالحان را، به عنوان الگو و سرمشق در نماز، از خداوند طلب می‌کنیم: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» (حمد/۷) یاد خدا عامل تکامل فضائل اخلاقی، حق طلبی و اجتناب از تجاوز به حقوق و حریم فرد و اجتماع می‌باشد (سبحانی، ۱۳۸۷: ۱۵۹). انسان راه‌های سعادت را از معبود خود می‌آموزد، تا فقط استعانت و یاری از ربّ خود طلب کند: «أَيُّكَ نَعْبُدُ وَ أَيُّكَ نَسْتَعِينُ» و به غیر متوسل نگردد. این متضمن، رشد و تزکیه انسان می‌گردد.

ابعاد فردی نماز

شایان ذکر است، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار معنوی بر روح انسان و شکل گرفتن شخصیت او از طریق عبادت می‌باشد. این در حالی است که در پرتو این عمل عبادی، عزت نفس و خودباوری حاصل می‌گردد. بسیاری از مسائلی که انسان در طول زندگی با آن‌ها مواجه می‌شود تحت شعاع این امر قرار می‌گیرد و به این ترتیب با این نگرش حرکت و مدیریت می‌نماید. چرا که عزت نفس یک ارزش است که تمام صفات و خصوصیات، درونی و روانی از آن سرچشمه می‌گیرد و بهترین ابزار، برای تشخیص حد و معیار سنجش می‌باشد و به این ترتیب، نسبت به جایگاه و حقوق خویش معرفت کسب می‌کند (باقرزاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۷). ارتباط با خالق هستی، عامل تکامل فکری، تقویت باورها و توانمندی‌های انسان می‌گردد. در سوره حمد، مراحل اخلاق‌مداری، به ترتیب اولویت به انسان آموزش داده می‌شود. ابتدا معرفت به خالق هستی، اطاعت از خداوند که، روح طغیانگری و کبر را در انسان از بین می‌برد، با رکوع و سجود، در برابر عظمت خداوند، تواضع و فروتنی را می‌آموزد. در احادیث متعددی بر مکارم اخلاق تأکید شده است؛ زیرا سبب رشد و تزکیه نفس می‌گردد. امیرالمومنین علیه‌السلام می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِالتَّوَّاضِعِ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْظَمِ الْعِبَادَةِ: بر شما باد به تواضع و فروتنی به درستی که تواضع از بزرگترین عبادات است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۵: ۱۱۹). تواضع از نظر اخلاقی این است که، انسان خود را در برابر خدا و خلق پایین‌تر از موقعیت خود قرار دهد. این خصلت موجب نشر ارزش‌ها و سبب کرامت او می‌گردد و با این عمل در مسیر رضای الهی گام برداشته و در

ارتقای ارتباطات اجتماعی نیز بسیار تأثیرگذار است و حرمت گذاشتن به افراد جامعه، آرامش و امنیت روانی را به ارمغان می‌آورد (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

ابعاد اجتماعی نماز

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» شخصیت انسان در جامعه شکل می‌گیرد و هویت واقعی فرد در آن ظهور می‌یابد. «در آیات و روایات روابط اشخاص در اجتماع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. فرد نمازگزار برای بهره‌مندی کامل از این عمل عبادی و دستیابی به فضائل اخلاقی و ارزش‌های انسانی تلاش می‌نماید، بنابراین از مسائل جامعه غافل نیست. اسلام نه تنها به اجتماع انسانی اهتمام دارد، بلکه بهترین شکل جامعه و متمدن‌ترین صورت آن را معرفی می‌کند و همه را در مقابل یکدیگر مسئول می‌داند، تا در گرفتاری‌ها و مشکلات هم‌نوعان خود بی‌تفاوت نباشند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۸-۲۵). به این ترتیب نمازگزار واقعی باید هم‌زمان با عبادت و تقرب به درگاه خداوند، ارتباط خود را با دیگران حفظ و بهترین عملکرد را به نمایش بگذارد، در گرفتاری‌ها و مشکلات جامعه حضور فعال داشته باشد و در روابط اجتماعی به حقوق و اصول اخلاقی افراد، به صورت جدی توجه نماید. زیرا نماز، یعنی ایمان به خداوند و ایمان و عمل صالح به شکل حلقه‌ای به هم پیوسته می‌باشد و هیچ کدام بدون دیگری کامل و ارزشمند نیست (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۹۶: ۲۹).

نماز و اعمال انسان در روایات

در روایات آمده است که: «انَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنَّ قَبْلَتَ قَبْلَ مَسَئَلِهَا: هِيَ مَا نَزَلَ فِيهَا مِنْ قَبْلِهَا» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۶۸). با توجه به مطالب مطرح شده، می‌توان دریافت که مقاصد کلی و اساسی نماز، در جنبه فردی، سازندگی، تزکیه، آگاهی، حفظ و رعایت حقوق دیگران می‌باشد. همچنین در آیات متعدد نیز بر رشد اخلاقی انسان تأکید شده است. از جمله؛ انفاق و توجه به امور معیشتی هم‌نوعان در صدر قرار دارد، چرا که مشکلات مالی، باعث بی‌اخلاقی و فساد می‌گردد. دین

اسلام تمام ابعاد مادی، معنوی و روانی این امر را در نظر گرفته و بدین وسیله انسان را به سوی اخلاق مداری و مسئولیت‌های اجتماعی، در برابر هم‌نوعان هدایت می‌نماید.

نماز و رذایل اخلاقی

مداومت بر این عمل عبادی، باعث از بین رفتن، بدی‌ها از وجود انسان می‌گردد: «انَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ...» (هود/۱۱۴) فرد نمازگذار تلاش می‌کند، اعمال خود را اصلاح نماید. «انَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ...» (عنکبوت/۴۵) در تفسیر این آیه مکارم شیرازی می‌گوید: «انسانی که به نماز می‌ایستد، تکبیر می‌گوید و خدا را از همه چیز برتر و بالاتر می‌شمارد، حمد و سپاس می‌گوید؛ به یاد روز جزا می‌افتد و اعتراف به بندگی او می‌نماید. بدون شک در قلب و روح چنین انسانی، جنبشی به سوی حق، حرکتی به سمت پاکی و تقوا پیدا می‌شود، برای خدا رکوع می‌کند، شهادت به یگانگی او می‌دهد، گواهی به رسالت پیامبر و درود بر او می‌فرستد. همه این امور موجی از معنویت در وجود انسان ایجاد می‌کند، که سد نیرومندی در برابر گناهان محسوب می‌شود. چرا که روح ایمان را در او تقویت و نهال تقوا را در دلش پرورش می‌دهد و این دو سد مانع قوی در برابر گناهان می‌باشد و به این ترتیب نماز، وسیله پرورش فضائل اخلاقی و تکامل معنوی انسان می‌گردد» (مکارم شیرازی، ج ۱۶: ۳-۲۹۰). مهم‌ترین نکته اخلاقی در نماز، از بین بردن رذائل اخلاقی مانند؛ تکبر می‌باشد. این صفت، منشاء و علت نافرمانی از فرامین الهی است. در آیات قرآن خداوند بیان فرمودند که دلیل سرپیچی شیطان و عدم اطاعت او، خودبرتر بینی و بزرگ بینی بوده است: «آبی و استکبر». این معضل اخلاقی به وسیله نماز از وجود انسان پاک می‌گردد. افزون بر آن، انسان خود را موجود کوچک در برابر عظمت و قدرت خداوند می‌بیند، رکوع و سجود ظاهر، در نماز تواضع تن است. اما مسأله‌ی اصلی «تواضع دل» می‌باشد. (غزالی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵-۴۲). در حدیثی از حضرت فاطمه سلام الله علیه بیان شده است: «فَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ تَنْزِيهًا مِنَ الْكِبْرِ: خداوند نماز را برای دوری از کبر واجب فرموده است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۸۲: ۲۰۹). همچنین در مورد آثار و عواقب کبر، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «لَا يُدْخِلُ الْجَنَّةَ مَنْ قَلْبِهِ مَنَقَالٌ ذَرَّةٌ مِنْ كِبَرٍ: کسی که در قلبش به اندازه‌ای

کبر و خودبینی باشد، به بهشت وارد نمی‌شود» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۵: ۳۰۳). بنابراین مشخص می‌گردد که چرا در آیات قرآن دو مفهوم «بر» (نیکوکاری) و تقوا از بیش‌ترین اهمیت و جایگاه برخوردار می‌باشد. «بر» همه فضائل دینی مانند؛ عقاید، فرایض و صفات نیکو را شامل می‌شود. این در حالی است که «تقوا» علاوه بر دورساختن انسان از رذائل اخلاقی، او را به سوی اعمال پسندیده سوق می‌دهد (پاکچی، ج ۷: ۲۱۹). با توجه به آیات قرآن، در مورد صفات مومنین و اخلاق مداری در می‌یابیم که؛ ایمان به غیب از تفکر و اعتقاد فرد سرچشمه می‌گیرد و نماز زمینه ساز پابندی به اصول می‌باشد. در سوره بقره خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره/۳). انفاق، سبب رشد و تکامل صفات نیکو در انسان می‌گردد. به این ترتیب نقش و جایگاه نماز، در رفتار و اخلاق افراد با این صفات مشخص می‌شود؛ این در حالی است که این عمل عبادی، به عنوان ستون دین معرفی می‌گردد و به این ترتیب سرلوحه پرورش و تربیت اسلامی قرار گرفته است، و اینگونه ارتباطات در جامعه، عامل نشر صفات نیکو قرار می‌گیرد» (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱: ۱۶). مبنای نیکوکاری و رسیدگی به امور مردم در اسلام، تقوا و پرهیزگاری است. قرآن به این امر اشاره دارد که، به امور نیکو و تقوا، تعاون و همکاری نمایید. انسان مومن باید در پی رفع حوائج برادر مسلمان خود باشد و به هر شکل ممکن آنان را یاری دهد (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۵). بنابراین ارتباط با خداوند، به وسیله نماز، زمینه ساز رفتار معقول انسان با خود و هم نوعان وی می‌گردد. علاوه بر این یاد خدا، تمام رذائل و صفات ناپسند را از وجود فرد پاک می‌کند و با ایمانی راسخ به سوی اهداف متعالی گام بر می‌دارد. و تمام اعمال خود را بر اساس خشنودی پروردگار خویش برنامه‌ریزی، و به چیزی غیر از آن نمی‌اندیشد و آموزه‌های دینی، سرلوحه زندگی وی می‌گردد.

ارتباط با خود، تزکیه نفس

مسئله مهم ارتباط فرد با خودش می‌باشد. در آیات قرآن اولویت و ترجیح اخلاق فردی بر اجتماع بیان شده و این موضوع در دین اسلام، از اهمیت خاصی برخوردار است. مسئولیت فردی و پاسخگویی اعمال، حول افراد بیان شده است. «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال/۸-۷) بازخواست فرد، مقدم بر اجتماع و کارنامه‌ی عمل هر کسی در روز رستاخیز، به صورت

فردی توزیع خواهد شد، مواجهه هر شخصی با مجموعه اعمالش می‌باشد؛ لذا همه تلاش‌های اخلاقی باید در ابتدا، برای ساختن خود صورت گیرد، یکی از این شاخصه‌های اخلاقی که در آیات قرآن به آن تأکید شده است؛ تزکیه نفس می‌باشد. خداوند می‌فرماید: « قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا » (شمس/۹) از دلایل مهم و مطرح عمل هر فرد، که نمایانگر رفتار وی در اجتماع می‌باشد. این در حالی است که، هر شخصی شاکله اجتماع را تشکیل می‌دهد به همین دلیل اخلاق فردی از جایگاه والایی برخوردار است. (فلاح، ۲۰۱۹: ۱۲۰) خداوند در این آیه می‌فرماید: «... وَ مَنْ زَكَّاهَا يَتَّزَكِي لِنَفْسِهِ...» (فاطر/۱۸) حرکت به سوی صفات نیکو، و پیراستن جسم و جان از رذائل اخلاقی در دین اسلام نمایانگر این مسئله است که، هدف نهایی تربیت دینی و اخلاقی، ایمان، عمل صالح در حیات معنوی و اطاعت از دستورات الهی می‌باشد. بنابراین، اخلاق در قوانین الهی به عنوان یک ارزش والای انسانی، نقش ارزنده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی ایفا می‌کند. و در عین حال اخلاق فردی، پایه و اساس اخلاق اجتماعی می‌باشد. « خودسازی از نگاه اسلام به دو شکل توامان و همراه هم، به سلامت نفس انسان کمک می‌نماید. در مواردی ثبوتی یعنی؛ با ایجاد تقویت، تعالی و رشد ویژگی‌های اخلاقی باعث سلامت روان می‌شود. و در برخی موارد نقش سلبی دارد، یعنی با کاستن، یا از بین بردن خصلت‌های ناپسند، باعث تعالی و سلامت روح می‌شود. مسئله‌ای که در روان‌شناسی امروزه، شاید کمتر مورد توجه واقع شده است (خاکپور، ۱۳۹۵: ۱۵۰). شایان ذکر است که؛ در روایات آلودگی نفس به عنوان مانعی، برای انسان در راه رسیدن به کمال و جلب برکات الهی، معنوی و مادی ذکر شده است. از طرفی دیگر تزکیه و طهارت نفس، شرط قرار گرفتن در عرش الهی دانسته شده است (مجلسی، ۱۳۹۷، ج ۷۷: ۸۸).

خودشناسی

مبنای اخلاق فردی

اولین گام در تحقق آموزه‌های اخلاقی که؛ در آیات و روایات بر آن تأکید شده، خودشناسی می‌باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ...» (مائده/۱۰۵) به این ترتیب اگر انسان خود را درست بشناسد؛ حقیقت هستی و چرایی حیات خود را دریافته است. و با این علم

گرایش به خودسازی، جزو اهداف مهم و اساسی در برنامه زندگی او قرار می‌گیرد و متعاقباً تلاش می‌کند به همان شایستگی که خداوند در قرآن بیان فرمودند؛ و انسان را جانشین خود در زمین معرفی نمودند، سعی و تلاش می‌کند تا خود را به اخلاق الهی مزین نماید (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۵۳).

خودشناسی در کلام معصومین

امیرالمؤمنین در این مورد می‌فرماید: مَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ، أَصْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَهُ، مَنْ عَمَلَ لِدِينِهِ، كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ، وَمَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ، أَحْسَنَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ: کسی که نهمان خود را اصلاح نماید، خدا آشکار او را نیکو گرداند و کسی که برای دین خود کار کند، خدا دنیای او را کفایت فرماید، و کسی که میان خود و خدا را نیکو گرداند، خدا میان او و مردم را اصلاح کند» (دشتی، ۱۳۷۹: ۳۰۸). آنچه مسلم است هدف اصلی مکتب اسلام، در مورد فضائل اخلاقی، اطاعت از اوامر الهی و ایجاد وظیفه دینی می‌باشد که ثمرات معنوی و مادی را در پی دارد. در بعد معنوی، ایجاد محبوبیت اجتماعی، بهبود روند زندگی و تأمین رفاه مادی می‌باشد. شایان ذکر است که هدف اصلی حُسن خُلق، منافع مادی و دنیوی نیست، اما به موازات بیان ارزش‌های معنوی و روحانی، موارد دیگر هم مطرح شده و به نقش اخلاق‌مداری در امورات دنیوی نیز اشاره شده است (الهامی، ۱۳۷۴: ۱۸ - ۲۳). هدف خالق هستی از بیان فضائل اخلاقی، صرفاً بهبود ارتباطات و رسیدن به کمال است و همچنین هدایت انسان، برای کسب قرب الهی و متعالی شدن است. استفاده از این موهبت الهی، آرامش، امنیت و سعادت ابدی را در پی خواهد داشت.

ارتباط با همنوعان

انسان مؤمن بدون، در نظر گرفتن ایمان و کفر، در سطح عمومی با همنوعان خود، رفتاری شایسته و نیکو برقرار می‌کند، زیرا همه انسان‌ها مانند هم هستند و باید با اخلاق پسندیده، با یکدیگر تعامل داشته باشند. همانگونه که خداوند نعمت‌هایش را در اختیار تمام بندگانش قرار داده است این در حالی است که، به علت نیاز جوامع بشری به یکدیگر و عدم برآورده شدن همه نیازها در سطح خانواده، ارتباط و

تعامل صحیح با دیگر اقشار جامعه از ضروریات زندگی می‌باشد، افزون بر آن، افراد دارای استعداد و قابلیت‌های متفاوتی هستند و این تعاملات باید برای ادامه حیات وجود داشته باشد (صدری نیا، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۳-۱۴). تعامل و رفع نیازهای افراد با یکدیگر، در آیات قرآن تأکید شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا جَعَلْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...» (حجرات/۱۳). اشخاص از استعدادها و خصوصیات منحصر به فردی برخوردار هستند و علاوه بر آن نیاز هر جامعه با ارتباطات برطرف می‌گردد. بشر به تنهایی قادر به انجام همه امورات خود نیست؛ خالق هستی، هر فرد را متفاوت از دیگری آفریده است. تا بتوانند در کنار هم و با استفاده از تجربیات هم‌نوعان خود، به بهترین شکل به حیات خود ادامه دهند.

استمرار ارتباطات

انسان علاوه بر ارتباط دائم با پروردگار، که زمینه خودسازی را فراهم می‌نماید. باید با هم‌نوعان خود نیز، رابطه نزدیک و مستمری داشته باشد. بر همین اساس خداوند در قرآن می‌فرماید: «... وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره/۳) از تمام نعمت‌هایی که به آنها دادیم انفاق می‌کنند این انفاق تمام مواهب مادی و معنوی را در بر می‌گیرد. یعنی؛ همه اموری که در زندگی لازم می‌باشد. بنابراین، توانایی جسمانی، مقام و موقعیت‌های اجتماعی، نشر و آموزش علم، مشاوره... و تمام آنچه دیگران به آن نیاز دارند، صرفاً برای خشنودی خداوند این عمل را انجام می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۷). در رابطه با استمرار عبادت، امیرالمؤمنین می‌فرماید: «دَوَامُ الْعِبَادَةِ بُرْهَانُ الطَّغْرِ بِالسَّعَادَةِ: دوام عبادت، دلیل دست یافتن به خوشبختی می‌باشد. یکی از رفتارهای زیبا و شایسته در اجتماع، انفاق می‌باشد. خداوند به این عمل خیرخواهانه، امر می‌نماید؛ «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (بقره/۱۹۵) این دستور الهی اهمیت و جایگاه انفاق را در جامعه بشری بیان می‌کند و در جایی دیگر می‌فرماید: «... مَا يُنْفِقُ قُرْبَتْ عِنْدَ اللَّهِ...» (توبه/۹۹) انفاق موجب تقرب نزد خداوند می‌گردد و این همان چیزی است که، انسان برای دست یافتن به رشد، در زمینه اخلاقیات و رسیدن به کمال حقیقی به آن نیاز دارد.

مراتب انفاق

لازم به یادآوری است که، در آیات قرآن، احسان و نیکوکاری با اولویت بندی مطرح شده است. خداوند از مهم‌ترین موارد نیکوکاری در مورد افراد، به ارزش و جایگاه این امر در مورد والدین، تأکید و سفارش نموده‌اند؛ «وَ إِذَا أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ...» (بقره/۱۸۳). این دستورها فقط برای بنی اسرائیل نیست بلکه مخاطب همه انسان‌ها هستند، اینکه فقط خداوند را عبادت کنید: «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» احسان مادی و معنوی را شامل می‌شود. ابتدا به اقوام نزدیک سپس افرادی که نسبت خویشاوندی دور دارند، رسیدگی کنید. «وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» با مردم به زبان خوش صحبت نمایید به این ترتیب شما به همه احسان و نیکی می‌کنید، بدون در نظر گرفتن موقعیت و نژاد، نکته اخلاقی مهم در این آیه، تأکید بر این موضوع که خدمت به والدین توسط خود فرد انجام گیرد، کسی را برای این منظور استخدام نکند (محدث نوری، ۱۳۶۹، ج ۷: ۴۶). در آیات قرآن خداوند نکات ظریف و تأثیرگذاری مطرح فرموده است که عمل به این امور عامل پیوند انسان‌ها از کوچکترین اجتماع، یعنی خانواده تا محیط بزرگتر و جامعه می‌گردد. توجه به این اصول اخلاقی، جامعه‌ای ایده‌آل را به وجود می‌آورد.

انفاق و احسان به خود

مسائل مطرح شده در مورد انفاق و احسان در آیات قرآن، ابزاری است که قرب به خداوند را سرعت می‌بخشد. «ان احسنتم احسنتم لانفسکم» (اسراء/۷) بازتاب عمل انسان را بیان می‌فرماید: در حقیقت انعکاس و پیامد این عمل اخلاقی به خود انسان بر می‌گردد. فرد در تحقق تکامل وجودی خویش می‌کوشد و طی فرایندی خود را از نقص به کمال می‌رساند (جان نثاری، و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۵).

احادیث و فوائد پایبندی به اصول اخلاقی در جامعه

در روایات آمده است: «ان الله عزوجل امر بثلثة مقررین بها ثلثة اُخری، امر بالصلاة و الزكاة، فمن صل و کم یرک کم تقبل منه صلاته، و امر بالشکر له و للوالدین، فمن کم یشکر و لدیه کم یشکر الله و امر

بِإِتْقَانِ اللَّهِ وَصَلَةِ الرَّحِمِ، فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ: خدای عزوجل دستور سه چیز را به همراه سه چیز دیگر صادر فرموده است؛ دستور نماز همراه با زکات؛ پس هر کس نماز را بخواند و زکات نپردازد، نماز او پذیرفته نیست، دستور به سپاس‌گزاری از خود همراه با سپاس از پدر و مادر، پس هر کس از پدر و مادر خود سپاس‌گزار نباشد. خدای را سپاس‌گزار نیست. دستور به تقوا همراه با صله رحم؛ پس هر کس که صله رحم نکند تقوا نخواهد داشت» (عیون أخبار الرضا، ۳۹۴). رعایت اخلاق در سطح اجتماع، برای پیش‌برد، اهداف و مصالح عمومی، می‌تواند ارزش‌های مادی و معنوی را در جامعه گسترش دهد و باعث هویت بخشیدن افراد گردد و با عزت نفس و اعتماد به یکدیگر جامعه‌ای ایده‌آل را رهبری می‌کنند. این عوامل همه دارای پیوستگی و انسجام هستند، مانع فساد و ردائل اخلاقی می‌شود. اخلاق نیکو ذاتاً نزد همه جوامع پسندیده و قابل احترام می‌باشد، به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌گردد و منافع آن به خود اشخاص بازمی‌گردد. ثبات، آرامش، امنیت و بسیاری از نیازهای مادی و معنوی در پرتو اخلاق‌مداری برآورده می‌شود (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴-۲۲). آنچه مسلم است، تمام آموزه‌های دینی، از طریق آیات و روایات صرفاً، برای ایجاد تعامل و ارتباطات سالم و مسالمت‌آمیز مطرح گردیده است. در همین رابطه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: « قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أِنَّمَا أَقْبَلَ لِمَنْ تَوَاضَعَ لِعَظْمَتِي، يَكْفُفُ نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ مِنْ أَحَلِّ وَ يَقَطَعَ نَهَارَهُ بِذِكْرِي، وَ لَا يَتَعَاطَمُ عَلَيَّ خَلْقِي، وَ يُطْعِمُ الْجَائِعَ وَ يَلْبَسُوا الْعَارِي، وَ يَرْحَمُ الْمُصَابَ، وَ يُؤْوِي الْعَرِيبَ: نماز کسی را می‌پذیرم که در مقابل عظمت من فروتنی کند از خواست‌های نفسانی به خاطر من خود را دور کند، روزش را با یاد من به پایان ببرد، بر بندگانم بزرگی نفروشد، به گرسنه غذا دهد و برهنه را بپوشاند، به مصیبت دیده مهربانی کند، غریب را پناه دهد» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۸۲: ۱۹۷).

تواضع

در رابطه با اخلاق‌مداری، ارتباط صحیح و اجتماعی دیگری که در اسلام بر آن تأکید شده است، کامل‌ترین رفتار اجتماعی که در زبان فارسی به «فروتنی» ترجمه شده، یکی از خصوصیات و صفات عالی انسانی است و آثار آن در ارتباطات اجتماعی ظهور می‌یابد. انسان متواضع کسی است که؛ آنچه

را انتظار دارد دیگران در تعاملاتشان با او رعایت کنند، خود در انجام این امر پیش گام می‌شود. فراتر از عدالت، با برخورد‌های انسانی همگان را مجذوب رفتار خود می‌سازد و نسبت به دیگران احساس برتری نمی‌کند (دهنوی، ۱۳۹۹: ۱). تواضع، در حفظ و تداوم روابط بسیار مؤثر است و از اخلاق سرچشمه می‌گیرد. تواضع در رفتار، گفتار و عملکرد انسان ظاهر می‌گردد و یکی از مهم‌ترین بخش‌های آداب معاشرت اسلامی و انسانی، رفتار متواضعانه و پرهیز شدید از هر گونه، کردار تکبرآمیز و مغرورانه است. خود بزرگ بینی، عامل اختلافات و ناسازگار‌یهای زندگی فردی و اجتماعی می‌گردد (اشتهاری، ۱۳۸۱: ۲۴۶).

جایگاه تواضع

انسان موجودی اجتماعی می‌باشد، بدون ارتباط و رفتار شایسته نمی‌تواند نیازهای خویش را تأمین نماید. نرم‌خویی و تواضع در اسلام، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و فضیلتی ممدوح می‌باشد. بر اساس اهمیت تواضع در قرآن و مقابله صریح آن با تکبر و گردنکشی و نفی قاطع کبرورزی، نسبت به خالق هستی و مردم از جایگاه رفیعی برخوردار می‌باشد (بدره‌ای، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۸۷).

تواضع در برابر مردم

در آیات قرآن، لقمان حکیم، به فرزندش در مورد ارتباط با مردم، او را به فروتنی توصیه می‌کند. «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا...» (لقمان/۱۸). در این آیه، به دو صفت ناپسند کبر و غرور به عنوان از بین برنده روابط صحیح اجتماعی بیان شده است. این صفات انسان را در توهم خود بزرگ بینی، نسبت به دیگران فرو برده، منجر به قطع رابطه او با دیگران می‌گردد. بر همین اساس باید در برابر دیگران متواضع باشید. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۲۸۱). به این ترتیب در می‌یابیم که، ایمان و اعتقاد به پروردگار، تمام شئون زندگی انسان مؤمن را فرا می‌گیرد به طوری که آثار بندگی، در رفتار و گفتار او آشکار می‌گردد. «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان/۶۳). این یکی از ویژگی‌های اخلاقی می‌باشد، که در وصف مؤمنان بیان شده، در حالی

که مورد اهانت واقع می‌شوند، ولی با نهایت تواضع برخورد می‌نمایند و با رفتاری شایسته و منطقی، چشم پوشی می‌کنند و بدون مجادله و تنش از آن‌ها می‌گذرند (فلاح زاده، و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

تواضع معیار نیکی

خداوند به پیامبر می‌فرماید: «... وَأَخْفِضِ جَنَاحَكَ الْمُؤْمِنِينَ» (حجر ۸۷). این دستور الهی، اهمیت و جایگاه تواضع را تبیین می‌کند و پیامبر به عنوان رهبر جامعه اسلامی و الگو، شاهدی بر این ادعا می‌باشد. مسلماً رفتار انسان، نمایانگر اندیشه و عملکرد او در برخورد با مسائل فردی و اجتماعی می‌باشد. بنابراین کسی که بزرگ منشی و نیکی را قرب خدا می‌داند، در برابر دیگران فروتن و آن را عامل رفعت مقام خویش در نزد خداوند می‌شمارد. تمام اهداف و برنامه‌های زندگی خود را بر اساس، رضایت و خشنودی خالق هستی هماهنگ می‌نماید. عزت را فقط از درگاه او می‌طلبد (طبرسی، ۱۳۷۰: ۴۷۲). به این ترتیب توصیف عبدالرحمن، نفی کبر، غرور و خودخواهی می‌باشد. زیرا ملکات اخلاقی، با اعمال و رفتار قابل مشاهده می‌باشد. در همین رابطه امام باقر می‌فرماید: «التَّوَّاضِعُ أَصْلُ كُلِّ شَرَفٍ وَ خَيْرٍ» تواضع اصل و اساس همه خیرات و از بالاترین عبادات دانسته شده است» (اسلامی، ۱۳۹۸: ۳۷).

عفو و گذشت

یکی دیگر از صفات زیبا و تأثیرگذار در اخلاق‌مداری، عفو و گذشت می‌باشد که ادامه حیات انسانی مبتنی بر این امر می‌باشد. این در حالی است که اگر همه مردم در گرفتن حقوق خویش سخت‌گیر باشند و از لغزش‌های یکدیگر چشم پوشی نکنند، زندگی برایشان تلخ و روح صمیمیت از جامعه رخت می‌بندد، در پی این فرایند، همکاری و تعامل بین افراد غیرممکن می‌شود. لازم به یادآوری است که عفو، زمینه محبت و برادری را در جامعه ایجاد می‌کند. در آیات قرآن خداوند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را با عفو و گذشت امر کرده است. « خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ: عفو را پیشه کن و به نیکی فرمان ده، از مردم نادان روی گردان» (اعراف/۱۹۹). پیامبر در تفسیر این آیه، سه روش اخلاقی را برای سعادت دنیا و آخرت بیان فرموده است. «وَهُوَ أَنْ تَصِلَ مِنْ قَطْعَتِكَ وَ تَعْفُو عَمَّنْ

ظَلَمَكَ وَتُعْطَىٰ مَنْ حَرَمَكَ» سه چیز است که؛ در نزد خداوند از فضائل اخلاقی می‌باشد، آن که از ستمگر در گذری، و به کسی که تو را محروم کرده است، عطا کنی، و به آن که از تو بریده است ببیوندی (لسانی فشارکی، ۱۳۹۶: ۱۴۳). به طور کلی لزوم ضروری بودن عفو، اهمیت و آثار نیکویی است که در اصلاح نفوس و استحکام، رفتارهای سالم جامعه دارد. خداوند به بندگان مقرب خود، انبیاء و رسولان، دستور داده است با مردم به نرمی رفتار کنید، با بردباری و نیکی با آنان روبرو شوید و رفتارهای جاهلانه را مشمول عفو خود قرار دهید (جهدی، ۱۳۹۸: ۳۸).

عفو، اصلاح، هدایت و تربیت

لازم به یادآوری است تمام نکات اخلاقی که در آیات و روایات مطرح شده است، به ایجاد جامعه‌ای سالم و زندگی مسالمت‌آمیز رهنمون می‌نماید. بخشیدن خطای افراد، نقش تربیتی دارد لذا این امر سبب می‌گردد، بسیاری از اشخاص به فطرت انسانی خود بازگشته، و از اعمال خود شرم‌منده، و در صدد جبران برآیند. خداوند می‌فرماید؛ «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (شوری / ۴۰) وعده الهی است به کسانی که به جای انتقام، عفو و اصلاح می‌کنند (طباطبایی، ج ۱۸: ۹۵).

فضیلت عفو

خداوند متعال اولین تعلیم دهنده، قوانین و آداب، به بشر می‌باشد، عفو از جمله ویژگی‌های اخلاقی ارزشمند است و یکی از صفات خداوند تبارک و تعالی، «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا» (نساء/ ۴۳) خداوند بخشنده و عفو‌کننده است. خالق هستی خود به این صفات مزین است و این صفات نیکو را به انسان آموزش می‌دهد (جهدی، ۱۳۹۸: ۳۸). قرآن کریم ضمن بیان احکام قصاص، به عفو و گذشت سفارش نموده است «... فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ فَاتَّبِعْ بِالْأَعْرُوفِ...» (بقره/ ۱۷۸) انتقام و عاطفه هر دو در اسلام رعایت شده است، نکته قابل توجه و تأمل در آمدن لفظ «آخ» برای تحریک عاطفه و رحمت است پس قصاص، یک انتقام خشن و بی‌بدل نیست، بلکه با عفو و گذشت، به فرد حیات دوباره و انگیزه برای درست زیستن عطا می‌گردد (قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۳).

عفو، عزت و محبوبیت

خداوند در قرآن می‌فرماید: «... وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا اَلَا تُحِبُّونَ اَنْ يَغْفِرَ اللهُ لَكُمْ وَ اللهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور/۲۲). عفو و بخشش ما سبب می‌گردد تا خداوند ما را نیز مورد عنایت خود قرار دهد، همین آثار عفو بر فرد و جامعه، منافع زیادی به همراه می‌آورد. در مرحله اول، مدارا با مردم، کسب محبوبیت و عزت در جامعه می‌باشد و بر عکس آن، انتقام‌جویی، انسان را در نظر مردم پست و بی‌ارزش می‌سازد. خوش خلقی و گذشت پیشوایان دینی، به ویژه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از گناه و خطای اطرافیان، موجب شد؛ وی در نزدشان عزیز و زمینه‌گرایش به اسلام فراهم گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۰۶). امیرالمؤمنین می‌فرماید: «الْعَفْوُ يُفْسِدُ مِنَ الْاَلْهَمِ بِقَدْرِ اِصْلَاحِهِ مِنَ الْكَرِيمِ» عفو و گذشت، به همان اندازه که در اصلاح شخصی ارجمند مؤثر است، فرد فرومایه را تباه می‌کند (مجلسی، ج ۷، ص ۴۱۹). زندگی اجتماعی ایجاب می‌کند، تا انسان‌ها نسبت به هم رفعت ورزیده و نرم خو باشند و تا حد امکان از لغزش‌ها و بد اخلاقی یک‌دیگر چشم‌پوشی کنند، این در حالی است که تجربه ثابت نموده، این عملکرد باعث تحول و نگرش جدید، در افراد خاطی می‌گردد. امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می‌فرماید: «اولی الناس بالعفو قدرهم علی العقبه» شایسته‌ترین انسانها به عفو و گذشت کسی است که توانایی بر عقوبت بدکاران بیشتر باشد. در حقیقت عفو با قدرت بر انتقام مصداق واقعی عفو است، در صورتی که از عفو بدون قدرت گاهی تعبیر به عجز می‌شود (دشتی، ۱۳۶۷، حکمت ۵۲). صفت نیکوی دیگری که در تعاملات انسانی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، تقوا و پرهیزگاری است.

تقوا و ارتباط آن با جامعه

موضوعات اخلاقی و اجتماعی؛ پرهیز از محرّمات که در دین از آن به «تقوا» تعبیر شده است. مهم‌ترین عامل رشد معنوی می‌باشد. در آیات قرآن در مورد تقوا بسیار تأکید شده است «... عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ» (زخرف/۳۵) اهمیت و جایگاه تقوا را بیان می‌فرماید؛ و این صفت در عملکرد هر فرد نمایان می‌شود. به عنوان یک نقطه محوری، در تهذیب نفس و اخلاق دینی می‌باشد. از ابتدای امر یعنی؛ شناخت توحید، تا انتخاب و ارزش عمل و زمانی که انسان در معرض غفلت قرار گیرد به خود مراقبتی ترغیب و از انحراف جلوگیری می‌کند.

اینگونه افراد خود را نیازمند حیاتی، به مراتب پاک‌تر می‌دانند و آن تقرب به درگاه پروردگار و دست یابی به حیات طیبه می‌باشد (باقری، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۰).

تقوا عامل برتری

پایبندی به تقوا و پرهیزگاری، احساس مسئولیت را در انسان تحکیم بخشیده، او را به انجام تکالیف الهی و رعایت حقوق انسان‌ها و ادار می‌سازد، روح پرهیزگاری در وی تقویت می‌شود. «انَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰكُمْ...» (حجرات/۱۳) داشتن این صفت عامل برتری، در نزد خداوند می‌باشد. دستورات الهی و برنامه‌های دینی، وسیله‌ای برای، احیای این خصلت مهم است و از اهداف شرع مقدس، برای رشد و ترغیب در زمینه اخلاق‌مداری و الهی زیستن می‌باشد (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۱۳۲).

تقوا بهترین توشه آخرت

تقوا فضیلتی است با تمام صفات نیک و خیر، طبق آیات قرآن، بهترین توشه پرهیزگاران است. «... وَ تَزُوْدُ فَاِنَّ خَيْرَ الْاَزَادِ التَّقْوٰی...» (بقره/۱۹۷) تقوا، مانند احسان و خلوص ... یکی از مقامات ایمان نیست، بلکه صفتی، با تمامی مراتب ایمان در آن جمع می‌گردد. انسان را قادر به مشاهده حقایق و اسرار عالم می‌نماید. معرفت فطری او شکوفا و عبادت درونی نمود بیشتری می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۹). نیکی حقیقی بر اساس تقوا صورت می‌گیرد «... وَلٰكِنَّ الْاَبْرَّ مَنْ اَتَّقٰ...» (بقره/۱۸۹). فرد با تقوا تمام ابعاد اخلاقی را در برخورد و عملکرد، با هم نوعان خود رعایت می‌نماید. تقوا علاوه بر اصلاح نفس، شرط لازم بر قبولی اعمال نیز می‌باشد. خداوند می‌فرماید: «... اِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ» (مائده/۲۷). چون روح عمل ارزشمند می‌باشد، فرد متقی، هیچگاه از اخلاق عدول نمی‌کند و فقط رضایت خداوند برای او ملاک می‌باشد (زیرکی، ۱۳۸۵: ۲۹۳).

تقوا محکم‌ترین عزت

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «اشرف اعلی من الاسلام ولا عز اعز من التقوی...» هیچ بزرگی و شرافتی بالاتر از اسلام نیست و هیچ ارجمندی، ارجمندتر از پرهیزگاری نیست... (نهج البلاغه،

حکمت (۳۷۱: ۱۲۶) اسلام دین انسان ساز و تقوا، مانع بزرگی در مقابل لغزشها و غفلت از فطرت می‌باشد.

نتیجه گیری

بررسی‌های انجام گرفته، در این بخش، کارکردهای عبادت و عبودیت را در آیات و روایات اثبات و شیوه‌ی به کارگیری آن را نشان می‌دهد. دین مبین اسلام به همه نیازهای انسان، اعم از دنیوی و آخروی توجه کامل مبذول داشته و مهم‌ترین هدف بعثت انبیای الهی را، رشد و پرورش اخلاق معرفی نموده است. همه آنان با هدف واحدی مردم را به توحید و پرستش خداوند دعوت کردند، یکی از ارکان، عبادت خداوند و بندگی می‌باشد. رابطه انسان با خالق و اظهار تواضع و خشوع در برابر معبود، عامل رشد فضائل اخلاقی و زمینه ساز، اطاعت بی قید و شرط در مقابل خداوند می‌گردد. رذائل اخلاقی را از بین می‌برد و در پرتو آن، عزت نفس، خودباوری، پرهیزگاری و توکل بر خداوند حاصل می‌گردد. همچنین نمازگزار واقعی، در همه ابعاد، فردی و اجتماعی خود را در مقابل دیگران مسئول می‌داند. زیرا از مقاصد کلی و اساسی عبادت و عبودیت، تزکیه نفس، حفظ و رعایت حقوق مردم می‌باشد و با این نگرش در مسیر همه نیکی‌ها گام بر می‌دارد. به این ترتیب انسان حقیقت هستی و چرایی حیات خود را دریافته، با هموعان خود ارتباط شایسته و نیکو برقرار می‌کند. زیرا مؤمنان به منزله نفس واحدی هستند هر گونه آسیب به فرد، جامعه را دچار خسران می‌نماید، از مجموع آیات و روایات بیان شده، در زمینه اخلاق مدارای آنچه استنباط می‌گردد؛ هدف نهایی، تربیت دینی و اخلاقی، رشد معنوی و دست یابی به کمال حقیقی می‌باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابراهیمیان آملی، یوسف (۱۳۸۱). نردبان عروج. تهران: رسانش.
- ابن ابی الحدید (۱۳۶۵). شرح نهج البلاغه. مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۸.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۳). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. تهران: محتوی، درج شده در پایگاه اطلاع رسانی حوزه.
- ابن مسکویه (بی تا). تهذیب اخلاق و تطهیر العراق. قم: انتشارات بیدار.
- ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالفکر، دارالصادر.
- ابوالقاسمی، سامان (۱۳۸۹). شیوه‌های پیشگیری در اسلام. دادرس، (۴).
- اسلامی، سهراب؛ خسروی، حسین و رحیمی، عبدالله (۱۳۹۸). اخلاق مداری پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوات. پژوهش‌های اخلاقی (گنجینه معارف) (۳۷)، (۱) ۱۰، ۴۹-۶۸.
- اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۸۵). فرهنگ اخلاق. قم: انتشارات مسجد جمکران.
- الهامی، داود (۱۳۷۴). نقش اخلاق در بهبود زندگی. درس‌هایی از مکتب اسلام (۳) (۵).
- باقرزاده، فضل الله و همکاران (۱۳۸۴). بررسی اثر باخت و جهت گیری هدفی بر میزان عزت نفس، دانشگاه تهران. حرکت (۲۳).
- بدره‌ای، فریدون (۱۳۷۸). ترجمه قرآن مجید. تهران: فردوس.
- پاکتچی، احمد (۱۳۷۵). اخلاق دینی. دایره المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.
- تقی زاده اکبری، علی (۱۳۸۶). عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس. قم: زمزم هدایت.
- جان نثاری، حسینعلی و واعظی، سیدحسین (۱۳۹۶). جایگاه اخلاق در تربیت اجتماعی از منظر قرآن کریم. پژوهش دینی، (۳۵)، ۶۷-۸۳.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم: اسراء.
- جوان بخت، مریم و ضیایی، علیرضا (۱۳۸۸). بررسی تأثیر روزه‌داری در ماه رمضان بر عزت نفس و سلامت روانی. مشهد: سلامت روانی.
- جهدی، محمدعلی و شریف اف.، کماندار (۱۳۹۸). ماهیت و حقیقت عفو از منظر قرآن و روایات. پژوهش‌های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی)، ۹(۳۳)، ۲۹-۵۲.
- حسینی، داود (۱۳۸۵). اصول حاکم بر روش تشویق و تنبیه در تربیت اخلاقی. مطالعات فقه تربیتی پاییز، (۱)، ۱۱۹ - ۱۳۴.
- خاکپور، حسین؛ اجنگان، پریسا و لطفی مهری، مریم (۱۳۹۵). نقش انفاق در سلامت معنوی از دیدگاه قرآن و روایات. تاریخ پزشکی، ۲۹(۸)، ۱۳۹ - ۱۶۴.
- خسروی، علیرضا و رنجبری، محمدحسین (۱۳۹۴). شاخصه‌های عبودیت در قرآن و روایات. کتاب و سنت، (۴)، ۵۳ - ۸۰.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). نهج البلاغه. قم: مشهور، ج ۱.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه دهخدا.
- دهقان، اکبر (۱۳۸۹). یکصد و چهارده نکته از قرآن کریم درباره نماز. تهران: ستاد اقامه نماز.
- دهنوی، محسن (۱۳۹۹). مقاله تواضع و فروتنی، مجمع جهانی صادقیین.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد (۱۳۸۸). المفردات فی غریب القرآن. مترجم مصطفی رحیمی نیا. تهران، چاپ دوم.
- زیرکی، مهدی (۱۳۸۵). آثار و برکات تقوا در قرآن. پاسدار اسلام، (۲۹۳).
- سبحانی، ناصر (۱۳۸۷). تفسیر قرآن کریم سوره حمد. تهران: احسان، ج ۱.
- صدری نیا، حسین (۱۳۹۱). ارتباط انسان با هم‌نوعان. تهران: سایه روشن.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. قم: انتشارات اسلامی جامعه حوزه علمیه قم.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم: انتشارات الشریف الرضی، ج ۴.

- غزالی، محمد (۱۳۹۰). کیمیای سعادت. تهران؟ قم: گنجینه.
- فتحعلی‌خانی، محمد (۱۳۷۹). رابطه دین و تربیت. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، (۲).
- فلاح زاده، رضاعلی؛ عمیقی، فاطمه و حیدری، نجمه (۱۳۹۱). مصادیق رفتار اجتماعی از دیدگاه قرآن و عترت. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). الکافی. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۰). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۱.
- محبی، صاحبعلی (۱۳۹۳). آثار تربیتی نماز از دیدگاه قرآن. قم: یوحنا، چ ۱.
- محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۸۱). تواضع و فروتنی (حکمت‌های دهگانه لقمان در قرآن). پاسدار اسلام، (۲۴۵)، ۱۴ - ۱۶.
- _____ (۱۳۸۱). پرهیز از رفتار و راه رفتن مغرورانه پرهیز از رفتار و راه رفتن مغرورانه (حکمت‌های دهگانه لقمان در قرآن). پاسدار اسلام، (۲۴۶)، ۲۰ - ۲۱.
- محمدی ری شهری (۱۳۸۶). میزان الحکمه. مترجم حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ پنجم.
- _____ (۱۳۹۲). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: سازمان تبلیغات، چ ۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). تکامل اجتماعی انسان. تهران: انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی متوسط معین. تهران: چاپخانه سپهر، چ ۱۴.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). اخلاق در قرآن. قم: مشهور.
- _____ (۱۳۷۶). تفسیر نمونه. ج ۱۶. قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب.